

5035

ع

ا

۲۹۲

بوستان داپ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

WWW.KETAB-IR

معنویت‌گرایی جدید

مؤلفه‌های مفهومی، لوازم اعتقادی
و نشانه‌های گفتمانی

احمد شاکر نژاد



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

نشانی

قم، خیابان معلم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، نشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

تلفن و دورنگار: ۳۷۸۳۲۸۳۳-۰۲۵

ص.پ: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸

کدپستی: ۳۷۱۵۶۱۶۵۹۱

مراکز پخش

۱. قم، میدان شهدا، تلفن و دورنگار ۳۷۸۳۲۸۳۴-۰۲۵

۲. تهران، خیابان انقلاب، روبروی در دانشگاه تهران،

پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۲، تلفن:

۰۲۱-۶۶۹۵۱۵۳۴

وبگاه: www.pub.isca.ac.ir

رایانامه: nashr@isca.ac.ir

فروشگاه مجازی نشر: www.shop.isca.ac.ir

فروشگاه نشر دیجیتال: www.pajooahaan.ir

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

معنویت‌گرایی جدید

مؤلفه‌های مفهومی، لوازم اعتقادی و نشانه‌های گفتمانی

احمد شاکر نژاد

ناشر

پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تهیه

پژوهشکده اخلاق و معنویت

سرویراستار

محمدباقر انصاری

ویراستار

وحید حامد

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

شمارگان: ۴۰۰

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

عنوان: ۴۸۲؛ مسلسل: ۷۶۸

سرشناسه:

شاکر نژاد، احمد، ۱۳۶۱-

عنوان و نام پدیدآور:

معنویت‌گرایی جدید: مؤلفه‌های مفهومی، لوازم اعتقادی و نشانه‌های گفتمانی / احمد

شاکر نژاد؛ تهیه پژوهشکده اخلاق و معنویت

مشخصات نشر:

قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری:

۳۹۲ ص: جدول، نمودار

شابک:

۵۰۰۰۰ ریال

978-600-195-437-5

وضعیت فهرست‌نویسی:

فیا

یادداشت:

کتابنامه: ص. [۳۶۱] - ۳۷۲؛ همچنین به صورت زیرنویس

یادداشت:

نمایه

موضوع:

معنویت

موضوع:

زندگی معنوی

موضوع:

تجدد

شناسه افزوده:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت پژوهشی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی، پژوهشکده اخلاق و معنویت

رده‌بندی کنگره:

۱۳۹۷ م ۶۲۴/ش ۶۲۴ BL

رده‌بندی دیویی:

۲۰۴

شماره کتابشناسی ملی:

۵۳۹۳۸۴۱

۹	سخنی با خواننده
۱۵	پیش‌گفتار
۱۹	مقدمه

فصل اول: مفهوم معنویت

۳۶	۱. تعریف لغوی معنویت
۳۷	۲. مفهوم اصطلاحی معنویت
۴۱	۱-۲. رویکرد تجربی
۴۴	۲-۲. رویکرد پدیدارشناسانه
۴۸	۲-۳. رویکرد الهیاتی
۵۳	۲-۴. رویکرد تاریخی
۵۵	۱-۲-۴. تاریخ‌نگاری تکاملی
۵۷	۲-۲-۴. تاریخ‌نگاری ذات‌گروانه
۵۹	۳-۲-۴. تبارشناسی یا تاریخ‌نگاری انتقادی
۶۴	۳. رویکرد برگزیده در مفهوم‌شناسی معنویت
۶۶	۴. مؤلفه‌های مفهومی معنویت در سیر تبارشناسانه
۷۰	۱-۴. مفهوم معنویت در اعصار گذشته

- ۷۰..... ۴-۱-۱. مفهوم معنویت در صدر مسیحیت
- ۷۳..... ۴-۱-۲. مفهوم «معنویت» در قرون وسطا
- ۷۹..... ۴-۱-۳. مفهوم معنویت در عصر مدرنیته
- ۸۹..... ۴-۲. مفهوم معنویت در عصر جدید
- ۹۲..... ۴-۲-۱. چستی معنویت‌گرایی پسامدرن
- ۱۰۰..... ۴-۲-۲. نحوه تغییر دینداری در عصر پسامدرن
- ۱۰۶..... ۴-۲-۳. نسبت دین و معنویت در گفتمان پسامدرن
- ۱۲۲..... ۴-۲-۴. بستر تحول در دینداری
- ۱۲۹..... ۴-۲-۵. تحلیل مفهوم جدید معنویت از دریچه نظریه‌های معنویت‌پژوهی
- ۱۵۰..... ۴-۲-۶. انواع معنویت‌گرایی در عصر حاضر
- ۱۷۹..... ۴-۲-۷. هویت جدید SBNR
- ۱۸۹..... ۴-۲-۸. معنویت‌گرایی جدید در ایران
- ۱۹۱..... جمع‌بندی

فصل دوم: مبانی نظری و لوازم اعتقادی معنویت‌گرایی جدید

- ۲۰۱..... ۱. مبانی نظری
- ۲۰۳..... ۱-۱. امکان‌سنجی استخراج مبانی نظری
- ۲۰۴..... ۱-۲. ایده‌های نظری متداول
- ۲۰۵..... ۱-۲-۱. ترقی‌خواهی
- ۲۰۶..... ۱-۲-۲. قییم‌گریزی
- ۲۰۷..... ۱-۲-۳. علم‌گرایی
- ۲۱۰..... ۱-۲-۴. طبیعت‌گرایی
- ۲۱۲..... ۲. لوازم اعتقادی

۲۱۹	۲-۱. انگاره‌های مربوط به هستی
۲۲۴	۲-۱-۱. مقایسه هستی‌شناسی سنتی، مدرن و پسامدرن
۲۲۷	۲-۱-۲. هستی‌شناسی مونیستی
۲۳۹	۲-۲. انگاره‌های مربوط به خدا
۲۵۰	۲-۳. انگاره‌های مربوط به انسان
۲۵۴	جمع‌بندی

فصل سوم: نشانه‌های معنویت‌گرایی جدید

۲۶۳	۱. درون‌گرایی
۲۶۷	۲. دنیاگرایی
۲۸۴	۳. شبه‌جمع‌گرایی
۳۰۴	۴. مصرف‌گرایی
۳۱۶	۵. سنت‌گریزی
۳۲۲	جمع‌بندی

فصل چهارم: نتیجه‌گیری

۳۲۵	۱. ساختارناپذیری: مؤلفه محوری معنویت‌گرایی جدید
۳۲۶	۱-۱. ساختارناپذیری ذهنیت‌گرا در معنویت‌گرایی جدید
۳۳۰	۱-۲. ساختارپذیری مصرفی در معنویت‌گرایی جدید
۳۳۲	۲. ظرفیت‌های نقد و بررسی
۳۳۳	۲-۱. ظرفیت‌های نقد برون‌دینی
۳۳۵	۲-۱-۱. نقد فرهنگ ذهنیت‌گرا
۳۳۷	۲-۱-۲. نقد فرهنگ مصرف‌گرا

- ۲-۲. ظرفیت‌های نقد درون دینی ۳۴۴
- ۲-۳. حوزه‌های پژوهشی ۳۵۱
- ۲-۳-۱. تبیین و نقد معنویت‌گرایی سکولار ۳۵۱
- ۲-۳-۲. تبیین و ترویج معنویت اسلامی ۳۵۶
- سخن پایانی ۳۵۸
- کتابنامه ۳۶۱
- الف) منابع فارسی ۳۶۱
- ب) منابع لاتین ۳۶۶
- نمایه‌ها ۳۷۳
- موضوعی ۳۷۳
- اعلام و مشاهیر ۳۸۵
- کتاب‌ها ۳۹۰
- مکان‌ها ۳۹۱

سخنی با خواننده

یوگا، تای چی، انرژی مثبت، کاسهٔ تبتی، مدیتیشن، شعور کیهانی، درمان کل نگر، فنگ شوئی، گیاه خواری، ندای درون، زندگی در حال، خنده درمانی، چاکرا، هالهٔ روحی، تجسم خلاق، کنترل ذهن، کارگاه موفقیت و ... حتی سی سال پیش عبارت‌ها و اصلاحاتی ناشناخته بودند و تنها شمار اندکی از متخصصان یا محققان با این تعابیر آشنایی داشتند؛ اما امروزه اکثر کسانی که از رسانه‌های ارتباط جمعی استفاده می‌کنند یا اهل مطالعه و تحصیلات دانشگاهی هستند و یا به خارج از کشور رفت و آمد دارند، این تعابیر را شنیده‌اند یا دست‌کم از شنیدن آنها تعجب نمی‌کنند.

یافتن وجه مشترکی میان این امور، مفاهیم و تعابیر دشوار است؛ اما به اجمال حکایت از راه و روش‌هایی دارند که به کمک آنها می‌توان حس تعالی از دغدغه‌های مادی یا رنج‌های زندگی روزمره را کسب کرد و آرامش یا حداقل تسکینی را به زندگی بخشید. البته نکتهٔ مهم در این نوع راهکارها آن است که همگی ادعا دارند بر مبنای توانایی‌ها و استعدادهای درونی انسان و بدون نیاز به دین نهادینه و شریعت وحیانی، دستاوردی معنوی را برای ما به ارمغان می‌آورند و هرچند در قبال آن ارمغان ممکن است شهریه یا حق‌الزحمه

و یا حق تألیفی را طلب کنند، اطاعت و سرسپردگی نمی‌خواهند.

ممکن است در نگاه نخست دستانی منفعت‌طلب دیده شود که در قالب برگزاری سمینار، کارگاه، مراکز مشاوره، تور گردشگری، انتشارات، سخنرانی الهام‌بخش، مهد کودک، باشگاه ورزشی، طب مکمل و ... به ترویج این مفاهیم و کسب درآمد می‌پردازند و شبکه‌هایی جهانی از آنها حمایت فکری، علمی و حتی مادی می‌کنند؛ اما اگر تحولی در فرهنگ جامعه رخ نداده باشد، آیا این امور می‌تواند بر بال فرهنگ سوار شود و محملی برای خود بیابد و اگر زمینه‌هایی برای گسترش این پدیده نباشد، اقبال به آن صورت می‌گیرد؟

ممکن است هر فردی شماری از این موارد را دیده باشد؛ اما آیا فراوانی این امور و تنوع این نشانه‌ها بیانگر یک تحول نامرئی، سیال و تدریجی در فرهنگ عمومی است؟ اگر چنین است، این پدیده فرهنگی نامش چیست؟ چه زمینه‌هایی باعث شکل‌گیری آن شده است؟ چه مفاهیمی در پس آن است و چه عقایدی را با خود به همراه دارد؟ و از همه مهم‌تر اینکه این پدیده با مدعای آرامش‌بخشی و تعالی‌گرایی، چه موضعی در برابر ادیان رسمی می‌گیرد و این موضع‌گیری چه تنش‌هایی در یک جامعه دینی ایجاد می‌کند؟

پژوهش پیش‌رو پاسخی به این پرسش‌ها و دغدغه‌هاست. البته از آنجاکه پدیده مذکور در کشور ما هنوز شکل تعین‌یافته‌ای ندارد، تحقیق حاضر به سراغ جوامعی رفته که این پدیده در آنها ظهور و تعین بیشتری یافته است و با مطالعه نظریه‌های موجود، سعی کرده به شناسایی علل و عوامل و زمینه‌ها و البته پیامدهای اعتقادی آن بپردازد. همچنین اگر این تحقیق در صدد شناسایی چیزی به نام «معنویت‌گرایی جدید» است، از آن‌روست که شکل تعین‌یافته این پدیده چهل‌تکه در غرب «معنویت‌گرایی جدید» (یا معنویت‌گرایی سکولار)

نامیده می‌شود؛ معنویت‌ی که فارغ از ادیان رسمی است و با گرت‌برداری از تکنیک‌های معنوی ادیان، جریان‌های شرک‌آمیز باستان، سحر و جادو، مکاتب باطن‌گرایی قدیم و جدید و البته بر اساس طبع انسان امروز، مدلی از معنویت‌گرایی را ارائه می‌دهد که پیروی و سرسپردگی را بر نمی‌تابد.

افرادی دارای تنش روحی یا جسمی، افراد کمال‌گرا، انسان‌های تنوع‌طلب، افرادی که به دنبال موفقیت و شهرت هستند یا افراد عاطفه‌گرا و عقل‌گریز ممکن است به این جریان توجه نشان دهند و در سه سطح مخاطب، مشتری یا عضو فعال به جریان معنویت‌گرایی جدید - با اشکال متنوع آن - وارد شوند. با این حال وجه مشترک این افراد آن است که (با انگیزه‌های گوناگون) هرچند نوعی فراروی از مادیت را طلب کنند، در همان حال، التزام به دین رسمی و نهادینه و حتی آن عقیده و دینی که تکنیک مورد نظر از آن برخاسته را نمی‌پذیرند.

البته این پدیده در غرب غیراز تعیین مفهومی آن در قالب واژه «معنویت» اخیراً (پس از سال ۲۰۰۰ میلادی) در قالب جریان اجتماعی SBNR تعیین اجتماعی نیز یافته است؛ اما همچنان به دلیل سیالیت، شناسایی مؤلفه‌ها و لوازم اعتقادی آن دشوار است. پژوهش حاضر در صدد است با ارائه خوانشی از پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره این پدیده در غرب، چارچوبی فراهم آورد تا بتوان نگاهی از بالا به این پدیده انداخت و برخی خطوط کلی آن را تشخیص داد و با ادراکی بهتر از پدیده بتوان به نحو دقیق‌تری درباره آن قضاوت کرد.

ایده اصلی این پژوهش زمانی شکل گرفت که با نگاهی اجمالی به پژوهش‌های موجود درباره معنویت به‌ویژه در روان‌شناسی و علوم تربیتی

به روشنی مشاهده شد که واژه «معنویت» معنایی غیر از آن چیزی دارد که در سنت ما فهمیده می‌شود؛ به بیان دیگر واژه «معنویت» در ادبیات معاصر دیگر امری در چارچوب دین و عرفان فهمیده نمی‌شود. کاوش برای فهم معنای امروز این واژه، ما را به تحقیق درباره پدیده سیال و نامرئی «معنویت جدید» کشاند که به طور شبکه‌ای و به شکل ناشناخته این مفهوم جدید از معنویت (معنویت سکولار و فارغ از دین نهادینه) را توسعه داده است. امید است پژوهش حاضر گامی باشد تا به کمک آن بتوانیم هم مفهوم جدید «معنویت» را بهتر بشناسیم و از خلط مفهوم این واژه در بافت دینی با مفهوم آن در بافت سکولار پرهیز کنیم و هم از خلال این بررسی با پدیده‌ای نامرئی به نام «معنویت‌گرایی جدید» آشنا شویم که هم مروج این مفهوم است و هم در خلال ترویج آن تعین بیشتری برای خود می‌جوید.

در پایان لازم است از همه عزیزانی که در تولید این اثر مشارکت داشته‌اند، تشکر کنم: دکتر احمد شاکر نژاد به عنوان نویسنده، دکتر بهزاد حمیدیه به عنوان ناظر و حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر باقر طالبی دارابی، حجت‌الاسلام و المسلمین علی امینی‌نژاد و دکتر علی موحدیان عطار به عنوان ارزیابان نهایی این اثر نقش بسیار مهمی در به ثمرنشتن آن داشته‌اند؛ همچنین تلاش‌های مجدانه مدیر اداره امور پژوهشی جناب آقای حسین مرادی و همکارانشان در پژوهشکده در افزودن بر کیفیت تحقیق بسیار مؤثر بوده است. شایان ذکر است اگر زمینه‌سازی و همکاری ریاست محترم پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر نجف لک‌زایی و معاونت محترم پژوهش حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر یعقوب‌نژاد و مساعدت بی‌دریغ نشر پژوهشگاه نبود، این اثر نمی‌توانست به زیور طبع آراسته شود.

امید است این اثر بتواند با تأثیرگذاری خود در فضای علمی مطالعات معنویت به نحوی شایسته زحمات این عزیزان و همکارانشان را پاس بدارد.

مهدی علیزاده

رئیس پژوهشکده اخلاق و معنویت

WWW.KETAB.IR

معنویت‌گرایی برخاسته از نیاز فطری انسان به تعالی است. به گفته کریستوفر پارتریج، معنویت‌گرایی در مخمصه‌های زندگی مانند مواجهه با ناپایداری دنیا و درهم‌تنیدگی رنج و لذت، همچنین در میل به جاودانگی بروز می‌یابد.^۱ در جهان سنت هنگام بیداری فطرت معنوی، افراد به نهاد دین رجوع می‌کردند؛ ولی چرا امروزه به جای نهاد دین برخی به «معنویت‌گرایی فارغ از مذهب» رجوع می‌کنند؟ درک مؤلفه‌های مفهومی «معنویت» و لوازم اعتقادی و نشانه‌های «معنویت‌گرایی جدید» می‌تواند به ما کمک کند تا ضمن شناخت این پدیده، با علل اقبال به آن آشنا شویم.

بررسی تعاریف معنویت و همچنین نگاهی تبارشناسانه به سیر تحولات واژه «معنویت» می‌تواند به شناخت بهتر مؤلفه‌های مفهومی این واژه کمک کند. این مهم در فصل اول انجام خواهد شد. کاوش در مفروضات اعتقادی معنویت‌گرایان جدید و سنجش نسبت آن با نگاه دینداران نیز در فصل دوم مورد توجه قرار می‌گیرد تا زمینه برای درک لوازم اعتقادی این پدیده هموار شود. البته با دانستن این مطالب درک نشانه‌های معنویت‌گرایی جدید در فصل سوم آسان‌تر می‌شود؛ اما نگاهی به زمینه‌های پیدایش این پدیده و درک بافت

۱. کریستوفر پارتریج؛ سیری در ادیان جهان؛ ص ۹۲.

فرهنگی و اجتماعی آن به ما کمک می‌کند بهتر با این نشانه‌ها آشنا شویم. از آنجاکه رویکرد کلی این اثر در تحلیل پدیده معنویت‌گرایی جدید توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی است، به این عوامل زمینه‌ای در لابه‌لای فصول به تفصیل پرداخته شده است؛ اما برای آنکه خواننده با کلیت این عوامل آشنا شود، در اینجا نگاهی اجمالی به اهم آن می‌اندازیم.

اگر پیرسیم چرا برخی از انسان‌های متجدد، دیگر دین نهادینه و مرجعیت‌گرا را مقبول نمی‌یابند و برای پاسخ به دغدغه‌های تعالی‌جویانه به سراغ معنویت بدون مذهب می‌روند؟ همان‌گونه که گفته شد - پاسخ این کتاب در سرتاسر صفحاتش آن است که باید به بافت فرهنگی و اجتماعی این افراد توجه کرد؛ اما مگر این بافت زمینه‌ای چیست که تا این حد اهمیت یافته است. به اختصار باید گفت صنعتی شدن فرهنگ و بازاری شدن عناصر فرهنگی و همچنین گسترش فرهنگ لیبرال و اهمیت یافتن مرجعیت درون است که باعث شده معنویت‌گرایی جدید با ویژگی‌هایی چون سیالیت،^۱ ساختارناپذیری، نگاه گزینشی و تلفیقی به ادیان (با رویکرد درمان‌گرایانه و کاربردی و با هدف استخراج معنویت مورد نیاز برای «زندگی» این جهانی) در نظر برخی مقبول‌تر از دین نهادینه جلوه کند.^۲

البته همان‌گونه که خواهد آمد، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی دیگری نیز در مقبولیت‌یابی این پدیده نقش داشته‌اند. جنبش‌های حقوق بشر و مساوات‌خواهی، جنبش‌های حقوق زنان، جنبش‌های آزادی عقیده و فعالیت طرفداران محیط

۱. سیالیت در اینجا همان ساختارگریزی و نماندن در محدوده چارچوب‌های مشخص است.

2. Paul Heelas, Linda Woodhead, Benjamin Seel, Karin Tusting, and Bronislaw Szerszynski; *The Spiritual Revolution: Why Religion is Giving Way to Spirituality*; pp.31-32.

زیست، طرفداران نظم نوین جهانی و مدیریت واحد جهان و موج‌های فرهنگی جدید مانند احساسات‌گرایی،^۱ فرهنگ متفاوت‌بودن و برتری‌طلبی، رواج آثار روان‌شناسی عوامانه و فرهنگ روان‌درمان‌گری، مشروعیت‌یابی بی‌قیدوشرط راحت‌طلبی و بهره‌مندی دنیوی، هنجارشکنی تنوع‌طلبی و مدگرایی زمینه‌هایی دیگری هستند که اقبال به معنویت‌گرایی ساختارناپذیر را فراهم کرده‌اند.

در کنار زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی فوق، رژیم‌های مشروعیت‌بخش^۲ و قدرت‌دانش‌هایی^۳ چون روان‌شناسی و فلسفه‌های جدید قاره‌ای، اصول و قواعد فکری مشخصی را حاکم کرده‌اند که نظم گفتمانی این دوره را شکل داده و افراد ناآگاهانه در سیطرهٔ این چارچوب‌های کلان قرار گرفته‌اند. این قواعد فکری کلان که می‌توان آن را اپیستمه^۴ عصر جدید نامید، مشوق فرهنگ مصرفی (صنعت فرهنگ)، فرهنگ خودشیفتگی، احساس‌گرایی سطحی (رفاه‌جویی و مسرت‌گرایی) و همچنین مروج نگاه خویشتن‌گرا و درمان‌جویانه به امور است و نتیجهٔ آن گسست فرا‌روایت‌های سنتی و ایجاد روایت‌های خُرد و جدید خواهد بود. معنویتی هم که مقتضای این اپیستمه است، نافی روایت‌های کلان دینی و مروج رویکردی شخصی و ذهنیت‌گرا در دینداری

1. Sentimentalism.

۲. منظور از رژیم‌های مشروعیت‌بخش همان علوم رسمی و مقبول در هر دورهٔ گفتمانی است که پشتوانهٔ هنجارهای فرهنگی و ساختارهای اندیشگی آن دوره هستند.

۳. قدرت - دانش اصطلاحی در تبارشناسی است و به نیروهای علمی مقبول در یک عصر گفتمانی اطلاق می‌شود که به دلیل مقبولیت و مشروعیت خود، به عنوان یک قدرت مفهوم‌ساز بر ساخت مفاهیم اجتماعی آن دوره تأثیر می‌گذارد.

۴. اپیستمه (Episteme) یا ساختارهای اندیشگی و یا قالب‌های معرفتی بنیادی به مجموعه شرایط معرفتی حاکم در یک دورهٔ گفتمانی اطلاق می‌شود که از لحاظ معرفت‌شناختی بر پدیده‌های زبانی، روانی و اجتماعی آن دوره تأثیر می‌گذارد.

است که پیامد آن مرجعیت‌زدایی از دین و نفی دینداری نهادینه است.^۱

معنویت‌گرایی جدید، هم به عنوان یک جریان و هم به عنوان یک رویکرد، تحت تأثیر زمینه‌ها و عوامل فوق، مروج آن نوع تعالی‌گرایی است که بر اساس یافته‌ها و تجربیات فردی سامان یافته و توجیه‌کننده و مؤید فضایی چون مسرت‌جویی، شفایابی، موفقیت، خودشکوفایی و معنایابی در دنیای مادی باشد. این نوع معنویت‌گرایی به دلیل همسویی با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مذکور، همچنین تأیید شدن از سوی قدرت دانش‌های بیان‌شده، روزبه‌روز در حال گسترش است و به عنوان یک رقیب نامرئی برای دینداری نهادینه درآمده است؛ رقیبی که در لوای کاربردی‌سازی، تجربی‌سازی و روزآمدسازی دین به دنبال نفی تعبد، حذف ساختارهای نهادینه دین و مرجعیت‌زدایی از آن است.

پژوهش حاضر، تلاشی برای شناسایی این پدیده از خلال تحلیل مفهوم جدید «معنویت» است. در به ثمر نشستن این اثر افراد زیادی نقش ایفا کرده‌اند. حجت‌الاسلام دکتر مهدی علیزاده و حجت‌الاسلام دکتر هادی صادقی که در شکل‌گیری ایده این پژوهش نقش اصلی را ایفا کردند، اساتید دوران تحصیلم در مقطع دکتری فلسفه دین در دانشگاه قم، بالاخص دکتر محسن جوادی، دکتر عباس ایزدپناه، دکتر عسگر دیرباز و استاد احمد عابدی حق بزرگی به گردنم دارند. همکارانم در پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که در به ثمر نشستن این اثر از هیچ کوششی دریغ نکردند صاحب اصلی این اثر هستند و اگر ضعیفی در آن است متوجه نویسنده است. امیدوارم بتوانم از نکته‌سنجی خوانندگان اثر بهره‌مند شوم.

احمد شاکر نژاد

1. Cline Erricker; *Contemporary Spiritualities*; p.11.

مقدمه

پس از دوره‌ای مبارزه با دین و ماورای طبیعت، واژه «معنویت» دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است و در حیطه‌های گوناگون از حرفه‌هایی چون مدیریت، پزشکی، روان‌درمانی تا حوزه‌هایی چون ورزش، اوقات فراغت و تعلیم و تربیت سخن از معنویت به میان می‌آید. اما با اندکی دقت در کاربردهای فراوان این واژه آشکار می‌شود که معنویت در محاورات جدید چیزی در درون دین نهاده نیست. معنویت در کاربرد جدید آن فارغ از «دین نهادینه»^۱ است و بعضاً در تقابل با دینداری نهادینه یا بدیل آن به شمار می‌آید. تا نیم قرن پیش اگر کسی خود را «معنوی، اما نه دینی»^۲ می‌خواند، مانند آن بود که خود را «اصفهان‌ای اما نه ایرانی» معرفی کند؛ اما چنین تعبیری امروزه نه تنها عجیب نیست؛ بلکه در میان برخی معقول‌تر از «دینی» بودن جلوه می‌کند.

درست است که خلأ معنا و بحران هویت و مخصصه‌های وجودی ایجادشده در گفتمان^۳ مدرن باعث معنویت‌خواهی در دوران پسامدرن شد؛ اما چرا به

۱. اصطلاح دین نهادینه (Organized Religion) به نوعی از دینداری گفته می‌شود که ساختارهای رسمی دینداری اعم از متن مشخص دینی، نهاد، سازمان و مراتب دینداری و قرائت‌های کارشناسانه از دین را گردن می‌نهد. در مقابل دین نهادینه، دین شخصی (Personal Religion) مطرح است که تنها امر موقت در دینداری را برداشت‌ها و تجربه‌های شخصی خود می‌داند.

2. Spiritual But Not Religious.

۳. واژه گفتمان یا سرشت، ماهیت و ساختار غالب اجتماعی در یک دوره تاریخی، در اینجا اشاره به ←

گفته بهزاد حمیدیه^۱ این پدیده را «نمی‌توان بازگشت دوباره به دین و عرفان» نامید. اگر معنویت‌جویی احیا شد، چرا رجوع به ادیان شناخته‌شده فزونی نیافت.^۲ پاسخ این پرسش‌ها وقتی مشخص می‌شود که مفروضات فکری انسان جدید را بدانیم و بشناسیم که اگر چنین انسانی دغدغه‌هایی تعالی‌جویانه بیابد، به سراغ چه نوع از دینداری و با چه لوازم اعتقادی خواهد رفت؛ از این‌رو مسئله تحقیق حاضر نحوه به‌وجود آمدن این دیدگاه جدید درباره معنویت و تبیین لوازم اعتقادی و نشانه‌های معنویت‌گرایی به سبک جدید است.

پس هرچند واژه معنویت بر سرزبان‌ها افتاده است؛ اما به‌آسانی نمی‌توان این اتفاق را بازگشت دوباره انسان به دینداری نهادینه تفسیر کرد. معنای جدید «معنویت»، نحوه به‌وجود آمدن و لوازم اعتقادی معنویت‌گرایی مبتنی بر آن، اهم مسائلی است که در رویارویی با این پدیده مطرح می‌شود. تحقیق حاضر نیز بر محور این پرسش است که «مفهوم معنویت در میان معنویت‌گرایان جدید چیست و لوازم اعتقادی و نشانه‌های گفتمانی آن کدام است؟» البته برای آنکه این پرسش، پاسخی درست یابد، پرسش‌های فرعی دیگری از قرار ذیل مطرح است:

۱. مفهوم معنویت در دوره‌های گوناگون فرهنگ غرب چه بوده است؟

→

مجموعه شرایط، نشانه‌ها و ساختارهای واحدی دارد که در یک دوره بر امورات زبانی، روانی و اجتماعی تأثیری مشخص می‌گذارند. پس اولاً با استفاده از واژه گفتمان (Discourse) به‌طور ضمنی نشان می‌دهیم که در روش‌شناسی تحقیق به تأثیر ساختارهای اجتماعی بر مفهوم‌سازی معنویت اهمیت می‌دهیم و ثانیاً شرایط عصر پسامدرن را به عنوان یک گفتمان از دوره‌های گفتمانی پیش و شاید پس از خود مجزا می‌دانیم.

۱. بهزاد حمیدیه؛ معنویت در سبد مصرف؛ ص ۲۳.

۲. این مفهوم در عصر حاضر چگونه دگرگون شده است؟

۳. مبانی و اصول معنویت‌گرایی بر اساس این مفهوم جدید از معنویت

چیست؟

۴. تأثیرات معنویت‌گرایی جدید در زندگی افراد با چه نشانه‌هایی ظاهر

می‌شود؟

البته بجاست که پرسیده شود انجام این تحقیق چه اهمیتی دارد و چه مشکلی را حل می‌کند؟ در پاسخ باید اشاره کرد که امروزه واژه «معنویت» در عرصه‌های گوناگون زندگی به کار می‌رود؛ از معنویت آشپزی و گلکاری گرفته تا معنویت ورزش و بازی. در رشته‌های متنوع دانشگاهی نیز این معنویت جایی برای خود باز کرده است. امروزه سخن گفتن از فیزیک و معنویت، معنویت و پزشکی، معنویت و اقتصاد و حتی روان‌شناسی معنویت، درمانگری معنوی و ... بسیار شنیده می‌شود. دانستن مفاهیم موجود در پس واژه معنویت نه تنها برای شناسایی و موضع‌گیری در برابر ادبیات معنویت در روان‌شناسی، پرستاری، روان‌درمانی، مدیریت و تعلیم و تربیت سودمند است؛ بلکه می‌تواند راهنمایی باشد برای مواجهه درست با جریان‌های نوظهور در عرصه دینداری و معنویت‌خواهی که حول این مفهوم‌سازی جدید شکل گرفته‌اند.

به‌طور خلاصه، اهم مشکلاتی که ضرورت چنین تحقیقی را نشان می‌دهد،

از قرار ذیل است:

۱. ابهام مفهوم معنویت در عصر حاضر و استفاده‌های سلیقه‌ای از آن؛

۲. رواج مطالعات معنویت در روان‌شناسی، مدیریت، پرستاری، درمان‌گری

و ... بدون توجه به معانی و زمینه‌های دینی این مفهوم؛

۳. گسترش قرائت‌های شخصی از دینداری و توجیه آنها با نام «معنویت‌گرایی»؛

۴. خلط بحث «فرقه‌های نوپدید معنوی» با «معنویت‌گرایی جدید»؛

۵. ناشناخته‌بودن لوازم و پیامدهای معنویت‌گرایی به سبک جدید.

تحقیق تجربی دربارهٔ میزان شیوع این واژه با دلالت‌های جدید آن در فرهنگ ایران معاصر انجام نشده است؛ اما با نگاهی به همایش‌ها، سخنرانی‌ها و آثار موجود در زمینهٔ معنویت می‌توان حدس زد که در زبان فارسی نیز معنویت به عنوان امری نه لزوماً مساوی یا در چارچوب دین در حال مطرح شدن است. البته مفهوم جدید معنویت و همچنین پدیدهٔ «معنویت‌گرایی جدید»، بیشتر در کشورهای انگلوسایک،^۱ آن هم از اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم میلادی رواج یافته است؛ از این رو برای آنکه تحلیل یک پدیده را در خاستگاه خود انجام داده باشیم، قلمرو پژوهش حاضر نیز از لحاظ مکانی و زمانی به همین فضای فکری - فرهنگی تعلق دارد.

معنویت‌گرایی جدید - همان گونه که خواهیم دید - نوعی دینداری سیال و ساختارناپذیر^۲ است که قیود، گزاره‌های قطعی و چارچوب‌های رسمی دینداری نهادینه را بر نمی‌تابد و به دنبال قرائت‌های آزاد و شخصی از دین و معنویت است. این نوع معنویت‌گرایی بیش از آنکه یک فرقه یا جنبش مشخص دینی باشد، یک پدیدهٔ فرهنگی و یک تغییر در نوع نگاه مردم به دینداری و معنویت‌گرایی است. پس - به دلیل اهمیت بُعد فرهنگی - در تحقیق حاضر به

1. Angelo - emERICAN.

۲. مراد از دینداری سیال یا ساختارگریز، دینداری غیر تعبدی است که به قرائت‌های رسمی و نهاد دین ملزم نیست و به جای آن برداشت‌های شخصی را حاکم می‌کند. این دینداری را می‌توان دینداری عرفی در برابر دینداری حوزوی یا نهادینه نامید. اصطلاحاً این نوع دینداری در غرب، دینداری فارغ از کلیسا (Unchurched Religion) نامیده می‌شود؛ هرچند لزوماً دینداری فارغ از کلیسا، دینداری ضدکلیسایی (Dechurched Religion) یا دینداری کلیسازدا نیست.

جای آنکه به وجوه فرقه‌ای این پدیده توجه کنیم، به وجه فرهنگی آن، یعنی به چرخش جدید گونه‌هایی از دینداری به سمت یک «معنویت شخصی» توجه خواهیم کرد.

چنان‌که در خلال تحقیق بیان خواهد شد، «معنویت‌گرایی بدون مذهب» به عنوان یک پدیده اجتماعی و همچنین مفهوم جدید «معنویت» (معنویت ساختارناپذیر و سیال) به عنوان یک مفهوم مستقر تاریخچه چندان ندارد؛ از این رو پژوهش‌های اندکی درباره آن انجام شده است و بیشتر تحقیقات انجام شده نیز مربوط به کشورهای انگلوامریکن و به زبان انگلیسی است. در زبان فارسی نیز پژوهشگران با مواجهه با نشانه‌هایی از این پدیده (مانند جریان‌های متمایل به عرفان‌های غیراسلامی، گروه‌های معنویت‌درمانی یا خودیاری معنوی، گرایش‌های معنوی غیرمرسوم و مخالف نظام روحانیت و یا ادعاهایی مبتنی بر لزوم جمع عقلانیت و معنویت با محور پرهیز از دینداری تبعدی و ارائه نسخه‌های بدیل برای دینداری) به وجود معنویت‌گرایی ساختارناپذیر و مرجعیت‌گریزی پی برده‌اند؛ اما با مروری بر تحقیقات فارسی در زمینه معنویت‌گرایی نوظهور مشخص می‌شود تحلیل‌ها فقط متوجه بخشی از پدیده مذکور است. در تحقیقات موجود بیشتر جلوه‌هایی از معنویت‌گرایی جدید که به شکل فرقه یا جریان مشخص دینداری و در مخالفت با دین رسمی شکل یافته‌اند، نقد و بررسی شده‌اند؛ اما معنویت‌گرایی جدید به عنوان یک پدیده فرهنگی و امری نامرئی که می‌تواند به هر نوع دینداری رنگ و بوی خود را ببخشد، کمتر مورد توجه است.

محققانی چون حمیدرضا مظاهری سیف (در: جریان‌شناسی انتقادی عرفان‌های نوظهور)، محمدتقی فعالی (در: آفتاب و سایه‌ها)، احمدحسین شریفی

(در: عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب) و احمد شاکر نژاد (در: بررسی جنبش‌های نوپدید در عرصهٔ دین و معنویت) از کسانی‌اند که هرچند به وجود پدیده‌ای جدید و کاملاً متفاوت در عرصهٔ معنویت‌گرایی پی برده‌اند؛ اما عمدتاً یا این پدیده را به شکل فرقه‌ای آن فروکاهیده و یا آن را به عنوان یک نهضت یا جریان قابل تشخیص و متمایز از دینداری اصیل به نقد کشیده‌اند.

در این میان پژوهشگران دیگری نیز هستند که با توجه به ادبیات گستردهٔ معنویت‌گرایی و با شناسایی شقوق و سطوح آن به سمت دیدگاه‌های کلان‌تری رفته‌اند؛ برای نمونه بهزاد حمیدیه در کتاب خود با نام معنویت در سبد مصرف با تقسیم‌گفتمان‌های دینداری در غرب به گفتمان‌های پیشاعرفی، عرفی و پساعرفی و رؤیت انواع معنویت بر اساس انواع گفتمان‌های دینداری، درکی جدید به بحث بخشیده و تصویری کلی‌تر از این پدیده ارائه کرده است؛ همچنین باقر طالبی دارابی در رسالهٔ دکتری خود با عنوان «فرقه‌گرایی جدید در ایران: تحلیل جامعه‌شناختی عرفان‌های نوظهور در ایران» بر اساس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به تحلیل معنویت‌گرایی جدید به مثابه یک گفتمان (نه نهاد یا ساختار) پرداخته است. البته طالبی دارابی اذعان می‌کند معنویت‌گرایی جدید یعنی معنویت‌گرایی ساختارناپذیر به عنوان یک گفتمان در ایران استقرار نیافته است و این پدیده در داخل هنوز در مراحل آشفتگی گفتمانی است؛ از این رو تحقیقات وی نیز بیشتر به ارائهٔ سرنخ‌های آن در فضای فرهنگی ایران محدود شده است.^۱

۱. این دسته از تحقیقات البته مبتنی بر ادبیات تحقیقی جدیدی است که اخیراً در رشتهٔ جامعه‌شناسی دین و مطالعات ادیان تولید شده است و به جای آنکه معنویت جدید را فرقه یا جنبش ببیند، آن را یک چرخش جدید فرهنگی در دینداری به شمار می‌آورد. از معروف‌ترین تحلیلگران در این ←

هرچند تحقیقات فوق هریک به نحوی ارزشمندند و می‌توانند برای ارائه درکی بهتر از پدیده مذکور راهی نشان دهند و وجهی از وجوه آن را به منصه ظهور برسانند؛ ولی به هر حال ارائه درکی تاریخی از مفهوم معنویت در غرب، عوامل مؤثر در تطور مفهومی آن و ارائه درکی از مبانی نظری و پیامدهای اعتقادی معنویت‌گرایی جدید نیازمند پژوهشی جدید است.

تحقیق حاضر نیز در همین راستا می‌کوشد با ابتدای تحلیل‌های خود بر تحقیقات تجربی و نظری جدید در غرب و بهره‌گیری از نظریه‌های موجود در تحلیل این پدیده، به شناسایی معنای جدید معنویت و معرفی لوازم اعتقادی و نشانه‌های گفتمانی معنویت‌گرایی بر اساس این مفهوم جدید از معنویت بپردازد. امید است با این شیوه، زمینه‌ای برای درک معنویت‌گرایی جدید و تفاوت‌های آن با دین نهادینه و معنویت‌گرایی دینی فراهم شود.

البته در پژوهش پیش‌رو ممکن است برخی اصطلاحات و واژگان نامأنوس به نظر آیند یا اینکه معانی متعددی داشته باشند؛ از این‌رو بهتر است پیش از آغاز بحث، معنای واژگان کلیدی مشخص شود؛ واژگانی چون «عصر پست‌مدرن»، «معنویت» و «دین» از اهم مواردی است که به نظر نیازمند توضیح است:

عصر پست‌مدرن: همان‌گونه که در فصل اول خواهد آمد، عصر یا دوره



حوزه که آثار آنها مرجع بیشتر تحقیقات جدید در حوزه معنویت است، می‌توان به افرادی چون ود کلارک روف، لیندا وودهد، پائول هیلز، رابرت واتو، دیوید گریفین، ریچارد تیلور، رابرت فولر، گوردون لینچ، الین بارکر، جرمی کارت و ریچارد کینگ اشاره کرد. در پژوهش حاضر ندهتها از آثار مکتوب این افراد (و تحلیلگران همسو یا منتقد آنان) بهره گرفته‌ایم؛ بلکه از آخرین سخنرانی‌های آنان که بعضاً جرح و تعدیلی در نظرات خود اعمال کرده‌اند نیز استفاده شده است.

پست‌مدرن در اینجا مکتب فلسفی پست‌مدرن نیست؛ بلکه مراد فضای فرهنگی جدیدی است که پس از دههٔ شصت میلادی در کشورهای صنعتی ایجاد شد. این دورهٔ فرهنگی جدید در امتداد دوران مدرن است. در این دوره برخی ویژگی‌های فرهنگی دوران مدرن تشدید شده یا مقبولیت گسترده‌تری یافته‌اند. تأکید بیشتر بر انسان به‌ویژه تأکید بر احساسات و تخیلات انسانی (عقل‌گرایی تخیلی)، تکثرگرایی، خودابرازگرایی، راحت‌طلبی و مصرف‌گرایی و مقبولیت یافتن سیالیت ذهنی، نداشتن ثبات اعتقادی و ساختارشکنی و فراروایت‌گریزی از مهم‌ترین ویژگی‌های فرهنگی این دوره است. پس فرهنگ پسامدرن کاملاً از فرهنگ مدرن گسسته نیست و برخی از زمینه‌های فکری مدرن با تغییر یا به شدت و ضعف در دوران پست‌مدرن نیز وجود دارد؛ برای نمونه عقلانیت ابزاری، اومانیسیم، فردگرایی، تکثرگرایی،^۱ سکولاریسم، خصوصی‌سازی و شخصی‌سازی، تجربه‌گرایی، شرق‌گرایی، تفکرات فمینیستی و مکاتب الهیاتی لیبرال هرچند به گفتمان مدرن مربوط‌اند، به گونه‌ای در فرهنگ پسامدرن نیز حضور دارند.

اما آنچه مختص دوران پسامدرن است، نقد خردباوری مدرن و واقع‌گرایی معرفتی آن و اقبال گسترده به ذهنیت‌گرایی (درونی‌سازی معرفت)، تکثرگرایی و تخیل‌گرایی است. البته شکل تعدیل‌یافتهٔ اومانیسیم و لیبرالیسم با عنوان «پساماده‌گرایی»^۲ نیز با تمرکز بر اندیشهٔ خلاقیت و خودشکوفایی، نوعی تعالی مادی را برای پاسخ‌دادن به دغدغه‌های وجودی انسان به ارمغان آورده است که فرزند عصر پسامدرن به شمار می‌آید.

1. Pluralism.

2. Postmaterialism.

دین: تعریف دین یکی از دشواری‌های مطالعات دین‌پژوهانه است و به دلیل همین دشواری، تعریف‌های پرشماری از دین بیان شده است. با مروری اجمالی به تعاریف موجود از دین، آنچه به نظر وجه مشترک بیشتر تعاریف است، اعتقاد به امر مقدس یا جهان قدسی است؛^۱ اما این تعریف نیز چنان توسعی دارد که حتی می‌تواند شامل گرایش‌های مشرکانه و شمنیستی نیز بشود. به نظر، واژه «دین» متناسب با بافت دینی ادیان ابراهیمی است؛ یعنی سنت‌هایی که در آنها اعتقاد به امر مقدس و نحوه ارتباط با آن در چارچوب وحی الهی فهمیده می‌شود. با این حال آنچه در تحقیق حاضر از واژه دین مراد است، حتی جزئی‌تر از این مفهوم است. دین در اینجا تجربه مواجهه با امر قدسی است که بر اساس الگوی وحی به شکل نظامی منسجم از باورها و مناسک درآمده و نهاد یا سازمانی اجتماعی - فرهنگی پشتوانه آن است. پس به‌طور آشکار، مراد از واژه دین، دین نهادینه و ساختارمند است که در بهترین شکل خود در ادیان ابراهیمی تجلی یافته است؛ دینی که غیر از برخورداری از اصول ثابت اعتقادی (به شکل وحی یا مرام‌نامه جزئی) از سنت دینی مشخص، سازمان روحانیت، مراسمات دینی از پیش تعیین‌شده، رویدادهای تاریخی مقدس برخوردار است و از پیروان خود می‌خواهد برای دستیابی به نجات، از شریعت (ساختار دینی) واحد پیروی کنند. از آنجا که در جهان سنت، شکل پذیرفته دینداری همین شکل به شمار می‌آمد، در تحقیق حاضر به جای دین نهادینه، از تعبیر دین سنتی نیز استفاده شده است.

در تقابل با دین نهادینه و ساختارمند، دین ساختارناپذیر، مرجعیت‌گریز و

۱. بهزاد حمیدیه: «جنبش‌های نوپدید معنوی، دین یا عرفان؟»، ص ۳۴.

غیر نهادینه می‌نشیند؛ یعنی دینی که ممکن است حتی به متون دینی نیز توجه کند یا از ادبیات ادیان نهادینه نیز بهره بجوید؛ اما خود را ملزم به نص و حیانی و قرائت رسمی از آن یا ساختار منسجم دینی که متخصصان دین (نهاد روحانیت) ارائه می‌کنند، نمی‌داند. البته این نوع دینداری با تفاوت‌هایی در جهان سنت نیز سابقه دارد و ویژه دوران پست مدرن نیست؛ اما آنچه جدید است، آن است که دینداری ساختارناپذیر در جهان سنت مربوط به برخی خواص یا دگرانديشان بود؛ اما در عصر حاضر، این نوع دینداری به‌ویژه در جوامع صنعتی به سمت آن پیش می‌رود که وجه غالب دینداری شود. افزون بر این در جهان سنت، ساختارگرایی دینی همیشه تحت عنوان فسق، زندقه و ارتداد نفی می‌شد؛ اما در دوره پست مدرن - همان‌گونه که خواهیم دید - این نوع دینداری تحت عنوان معنویت‌گرایی مشروعیت می‌یابد و حتی به جای آن، دینداری نهادینه و ساختارناپذیر است که تحت عنوان جزمیت‌گرایی، تحجر و بنیادگرایی نفی و تقبیح می‌شود.

معنویت و معنویت‌گرایی: «معنویت» به معنای معنوی بودن است و بیانگر یک حالت یا وضعیت است. وقتی این حالت یا وضعیت مطالبه می‌شود، به آن «معنویت‌گرایی» می‌گوییم. همان‌گونه که گفته شد، در عصر حاضر نوعی معنویت‌گرایی فارغ از دین شکل یافته که مرجعیت دین نهادینه را بر نمی‌تابد. در تحقیق حاضر این نوع معنویت‌گرایی را «معنویت‌گرایی جدید» می‌خوانیم. پس معنویت‌گرایی - هرچند در معنای کلی آن - شامل هر نوع معناجویی و تلاش برای فراروی از ظاهر می‌شود؛ اما معنویت‌گرایی جدید همان دینداری آزاد و سیالی است که در غرب - به‌ویژه کشورهای انگلوساویک - با نقد ساختارهای رسمی دین - و به‌طور خاص دینداری نهادینه مسیحی - به دنبال برداشت‌های

تعالی جویانه شخصی، ذهنی و غیرملتزم به دین نهادینه تحقق یافته است. این گرایش معنوی که پیش‌تر با عبارت‌هایی چون عرفان بیرونی (بیرونیان)^۱ و عرفان آزاد^۲ نیز خوانده می‌شد، به تازگی با نام معنویت‌گرایی در کشورهای غربی شهرت یافته است. ما نیز به همین دلیل، این پدیده را «معنویت‌گرایی جدید» می‌نامیم.

همان‌گونه که در فصل مفهوم معنویت خواهیم دید - هرچند با تعدد معانی واژه «معنویت» - از صدر مسیحیت در فرهنگ غرب استفاده شده؛ اما معانی پرشمار آن، همه در ساختار دین مسیحیت و نظام رسمی دینداری فهم شده است. پس از دوران مدرن که با تلاش برخی متالهان و روان‌شناسان قرائت‌های شخصی و تجربه‌گرا از دین (دین شخصی، دین تجربی) مقبولیت یافت، زمینه برای خارج کردن واژه دین و معنویت از چارچوب ادیان رسمی آماده شد. اما در دوران پست‌مدرن تعبیر دین شخصی و دین تجربی نیز کارآمد جلوه نکرد؛ زیرا واژه دین در هر صورت بار سنگین التزام، تسلیم و ساختارگرایی را بر دوش داشت. به این علت برای اشاره به دینداری ساختارناپذیر، شخصی و کارکردگرا در دوران پست‌مدرن از واژه «معنویت» استفاده شد و واژه «دین» برای اشکال نهادینه، ساختارگرا، حقیقت‌گرا و التزام‌گرای دینداری رها شد.

در تحقیق حاضر تعابیری چون معنویت‌گرایی جدید،^۳ معنویت‌گرایی

1. Allen Diogenes; three outsiders, Pascal, Kierkegaard, Simone Weil; p.5.

۲. والتر استیس؛ عرفان و فلسفه؛ ص ۲۹.

۳. انواع و اقسام معنویت جدید و نوپدید را می‌توان تصور کرد؛ اما در اینجا مراد از معنویت جدید، همان معنوبیتی است که تحت تأثیر شرایط پسامدرن شکل گرفته است؛ یعنی از آن حیث جدید است که اولاً محصول سال‌های پس از ۱۹۶۰ میلادی است و ثانیاً متأثر از فرهنگی خاص در این سال‌هاست که برخی آن را فرهنگ پسامدرن نامیده‌اند.

نوپدید، معنویت‌گرایی سکولار، معنویت‌گرایی سیال، معنویت‌گرایی مایع، معنویت‌گرایی ساختارناپذیر، معنویت‌گرایی غیرتسلیمی، معنویت‌گرایی غیرالزام‌آور، معنویت‌گرایی آزاد و معنویت‌گرایی ذهنی به همین گرایش اشاره دارد. البته - چنان‌که نشان خواهیم داد - این نوع گرایش تحت نام معنویت، هرچند ادعای دین‌ورزی اصیل، خودانگیخته، فطری و انفسی دارد؛ اما به دلایلی که ذکر خواهد شد، در هوس داشتن دینداری خودانگیخته صرفاً ساختارهای مرسوم دینداری را نفی و طرد می‌کند و در عوض، متأثر از فضای فرهنگ مصرفی ساختارهای بازاری، التقاطی و غیرالزام‌آور بر قامت دینداری می‌پوشاند و نام «معنویت‌گرایی» بر آن می‌نهد.

البته اصطلاحات دیگری نیز در تحقیق حاضر به کار رفته که برخی از آنها به روش‌شناسی تحقیق مربوط است (مانند تبارشناسی، گفتمان، ایستمه، رژیم مشروعیت‌بخش، دانش - قدرت و ...) و برخی از آنها نیز مربوط به نظریه‌های تحلیلی است که در استخراج لوازم اعتقادی به خدمت گرفته شده‌اند (مانند درمان‌گروی، خودابرازگرایی، خودشیفتگی، ابرفردگرایی، پسماده‌گرایی، انفسی‌گرایی، خودالوهیتی، وحدت‌گرایی و ...) که مراد ما از هریک در خلال بحث مشخص می‌شود.

مدعای تحقیق حاضر نیز آن است که انسان امروز با مفروضات پسامدرن در هنگام نیاز به تعالی به جای رجوع به قرائت‌های رسمی از دین، به برداشت‌های شخصی بسنده می‌کند و تحت نام معنویت و به بهانه رجوع به فطرت معنوی، شبه‌معنویتی التقاطی ساخته و شیفته آن امر دست‌ساز می‌شود. به گفته کریستوفر پارتریج، بارزترین گروه دینداران در دنیای امروز «کسانی هستند که متأثر از فرهنگ‌های پسامدرن، مصرف‌گرا و به لحاظ دینی متکثرند

که از میان طیفی از سنن، باورها و فلسفه‌ها دست به گزینش و آمیزش می‌زنند».^۱ این سبک جدید دینداری (دینداری ساختارناپذیر و التقاطی) هرچند در جهان‌بینی سنتی فسق، زندقه و الحاد دانسته می‌شد، امروزه تحت عنوان «معنویت‌گرایی» مقبولیت و مشروعیت یافته و در جوامع صنعتی، سبک مقبول دینداری به شمار می‌آید.

از آنجاکه مشروعیت و مقبولیت یک سبک فرهنگی، برخاسته از هنجارهای کلی یک گفتمان است، پس درک هنجارهای فکری - فرهنگی پسامدرن، رژیم‌های مشروعیت‌بخش و ارزش‌ها و مفروضات آنها به آشنایی بهتر ما با این سبک فرهنگی کمک می‌کند. رژیم‌های فکری مشروعیت‌بخش که برخاسته از اجماع علمی هر عصر است، در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، هنجارهای کلی را تعیین می‌کنند. در عرصه دینداری نیز هنجار فکری پسامدرن با رژیم‌های مشروعیت‌بخش خود مانند دانش جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فیزیک جدید، رشته مطالعات ادیان، مکاتب فلسفی، هنری و ادبی پسامدرن و الهیات لیبرال، ضمن ایجاد تقابل بین دین و معنویت، آن سبک از دینداری را که با مفروضات فرهنگی پسامدرن سازگاری دارد، معنویت می‌خواند و با تقبیح دین ساختارمند، به عنوان یک رویکرد جزمی، خرافی، ریاکارانه و غیرعقلانی - در پاسخ به نیازهای وجودی - معنویت‌گرایی جدید را به عنوان گزینه بدیل مطرح می‌کند.

پس مدعای اصلی تحقیق حاضر آن است که «معنویت» در عصر پسامدرن معنایی متفاوت از دوره‌های پیشین یافته است و دیگر نه تنها در چارچوب دین

نهادینه تعریف نمی‌شود، بلکه در مقابل دین نهادینه می‌نشیند. جریان‌ها و گرایش‌هایی که حول این مفهوم جدید شکل گرفته است یا در زیر چتر آن فعال است «معنویت‌گرایی جدید» نامیده می‌شود. محوری‌ترین مؤلفه معنویت‌گرایی جدید ساختارناپذیری است؛ زیرا معنویت‌گرایان جدید به‌طور مشترک طرفدار دین شخصی (به معنای دین انفسی) و مخالف ساختارهای مرسوم دینداری نهادینه‌اند.

مدعای فرعی تحقیق حاضر این است که چنین گرایشی - هرچند داعیه معنویت‌گرایی اصیل و خودانگیخته دارد - در عمل به معنویت‌گرایی مصرفی^۱ می‌انجامد؛ به بیان بهتر تحقیق حاضر رمزگشایی از دینداری کسانی است که به هوس داشتن دینداری اصیل، وارد بازار معنویت‌گرایی جدید شده و معنویتی مصرفی را نصیب برده‌اند. برای رمزگشایی از این پدیده است که در این تحقیق تحلیل مؤلفه‌های مفهومی، لوازم اعتقادی و نشانه‌های این پدیده اهمیت یافته است.

در پژوهش پیش‌رو روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است؛ اما در فصل اول و برای تحلیل بهتر مفهوم معنویت و شناسایی عوامل و زمینه‌های مؤثر در این مفهوم‌سازی از نگاه تبارشناسانه بهره برده‌ایم تا ساختارهای اجتماعی،

۱. معنویت مصرفی نوعی فراظاهرگرایی است که ایده‌ها و شیوه‌های خود را منفعلانه و بدون فکر و نقشه پیشینی یا انسجام پسینی انتخاب می‌کند. در این نوع معنویت‌گرایی، فراروی فرد صرفاً بر اساس آنچه در دسترس او قرار دارد و نحوه تأثیرگذاری آن امور در دسترس بر تخیلات و احساسات وی شکل می‌یابد. این نوع معنویت‌گرایی را می‌توان معنویت التقاطی نیز نامید؛ اما در عصر جدید به دلیل سلطه بازار و توجه به این نکته که گزینه‌های قابل انتخاب اغلب با زرق و برق فراوان توسط فروشندگان و بازارهای معنویت و برای کسب سود مالی به فرد ارائه می‌شود، برخی محققان مانند جرمی کارت و ود کلارک روف آن را معنویت مصرفی یا بازاری نامیده‌اند.

سیاسی و اقتصادی مؤثر در این مفهوم‌سازی بهتر به چشم بیاید. در فصل دوم که به بررسی لوازم اعتقادی معنویت‌گرایی جدید توجه می‌شود، با بهره‌گیری از پژوهش‌های موجود به‌ویژه پژوهش‌هایی با رویکرد تحلیل گفتمان، به استخراج و تحلیل مبانی و لوازم اعتقادی معنویت‌گرایی جدید پرداخته‌ایم تا در نهایت با دسته‌بندی آن دلالت‌ها و گمانه‌زنی درباره‌ اینکه چه تأثیراتی می‌توانند در سبک معنویت‌گرایی افراد داشته باشند، به معرفی نشانه‌های این پدیده پرداخته‌ایم.

بررسی حاضر از آنجاکه در اصل تحقیقی کتابخانه‌ای است، در چند مبحث گوناگون اعم از بحث مؤلفه‌های مفهومی، مبانی نظری و بسترهای شکل‌گیری، به جای تحقیق مستقل، عملاً به دسته‌بندی نظریه‌های تحلیلی موجود و به‌کارگیری آنها در شناخت لوازم اعتقادی معنویت‌گرایی جدید پرداخته است تا از خلال تحقیقات محققان غربی درباره‌ این پدیده، باورهای شایع معنویت‌گرایان درباره‌ هستی، خدا و انسان و از همه مهم‌تر درباره‌ دین و الگوی معنویت‌گرایی را بشناسد.